



## تاریخ قاجار: صدر اعظم سرخورده / نگاهی اجمالی به کارنامه صدر اعظمی میرزا علی خان امین الدوله در دوره سلطنت مظفر الدین شاه قاجار

پدیدآورده (ها) : امینی، ایرج؛ امام، عباس

ادبیات و زبانها :: بخارا :: مهر - آبان 1390 - شماره 83

از 464 تا 476

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/999962>

دانلود شده توسط : محمد علی دوبرحاوی

تاریخ دانلود : 22/04/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

# تاریخ قاجار

● صدر اعظم سرخورده، ایرج امینی / دکتر عباس  
امام

● گفتگوی منتشر نشده با ظل السلطان / دکتر ابراهیم تیموری

● زندگی و زمانه یوسف خان مشار اعظم / علی امیری

## نگاهی اجمالی به کارنامه صدر اعظمی میرزا علی خان امین الدوله در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار

۴۶۵

بخارا  
سال چهاردهم  
شماره ۸۳  
مهر - آبان  
۱۳۹۰

..... میل ندارم در تهران علاقه‌ای داشته باشم..... میل دارم در همین گوشه به زراعت و کسب روزی حلال مشغول شوم. انشاءالله اولاد و احفاد ما هم بعد از این نوکری نمی‌کنند..... به خدا رعیتی و کاسبی به این قبیل نوکری‌ها ترجیح دارد.<sup>(۲)</sup> این سخنان بیانگر سرخوردگی مردی است که تا چند ماه پیش از آن، صدر اعظم مظفرالدین شاه قاجار بود و اینک به حالت تبعید در املاک خود در منطقه لشت نشاء گیلان روزگار می‌گذرانند. این تبعید اگر نه به فرمان مستقیم شاه، ولی به اشاره وی صورت گرفته بود. این تبعیدی، میرزا علی خان امین الدوله نام داشت.

میرزا علی خان در سال ۱۸۴۴ م / ۱۲۶۰ هـ ق در تهران به دنیا آمد.<sup>(۳)</sup> پدرش، میرزا محمد خان سینکی (بعد ها ملقب به مجدالملک) مناصب دولتی خود را از زمان محمدشاه آغاز کرد. در این دوره، ایرانیان تا حدودی از آزادی اندیشه و بیان برخوردار بودند و به فرمان شاه شکنجه و اعدام بر افتاد.<sup>(۴)</sup> در آغاز، محمدخان کتابدار فریدون میرزا (یکی از برادرهای محمدشاه) بود؛ احساس وظیفه‌شناسی و وفاداری او باعث جلب توجه مهدعلیا (همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین میرزا، ولیعهد) به وی گردید، و به همین دلیل، ایشان در سفر

(۱) دکتر عباس امام (عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز)

(۲) سفرنامه حج امین الدوله، انتشارات توس، تهران (۱۳۵۴)، مقدمه، ص ۳۷. چاپ دوم، تهران ۱۳۹۰

(۳) محل دقیق تولد امین الدوله بر ما معلوم نیست. چه بسا در تبریز به دنیا آمده باشد، چرا که پدرش سال‌ها در تبریز با عنوان کتابدار در خدمت یکی از فرزندان عباس میرزا بود.

(۴) نگاه کنید به ناطق، هما، مدارس فرانسوی ها در ایران (۱۹۲۱-۱۸۳۷)، پاریس، انتشارات خاوران، ۱۹۹۷.

حج خود در سال ۱۸۴۷ م. / ۱۲۶۳ هـ ق محمدخان را به عنوان یکی از همراهان خود برگزید. با مرگ محمدشاه در سپتامبر ۱۸۴۷ م. / شوال ۱۲۶۳ هـ ق و تاجگذاری ناصرالدین شاه، محمدخان به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. اندکی بعد، به توصیه میرزا تقی خان امیرکبیر (صدر اعظم وقت) به عنوان قنصل، عازم آستراخان شد. محمد نه تنها دیپلماتی توانمند بلکه نویسنده‌ای چیره‌دست نیز بود که سبک نگارش فارسی وی مورد تقلید هم‌روزگارش قرار می‌گرفت. نخستین کتاب وی با عنوان *مرآة الارض*<sup>(۱)</sup> که موضوع آن جغرافیای جهان، و بویژه جغرافیای سرزمین‌های روسیه بود، احتمالاً پس از بازگشت وی از آستراخان به رشته تحریر در آمد.

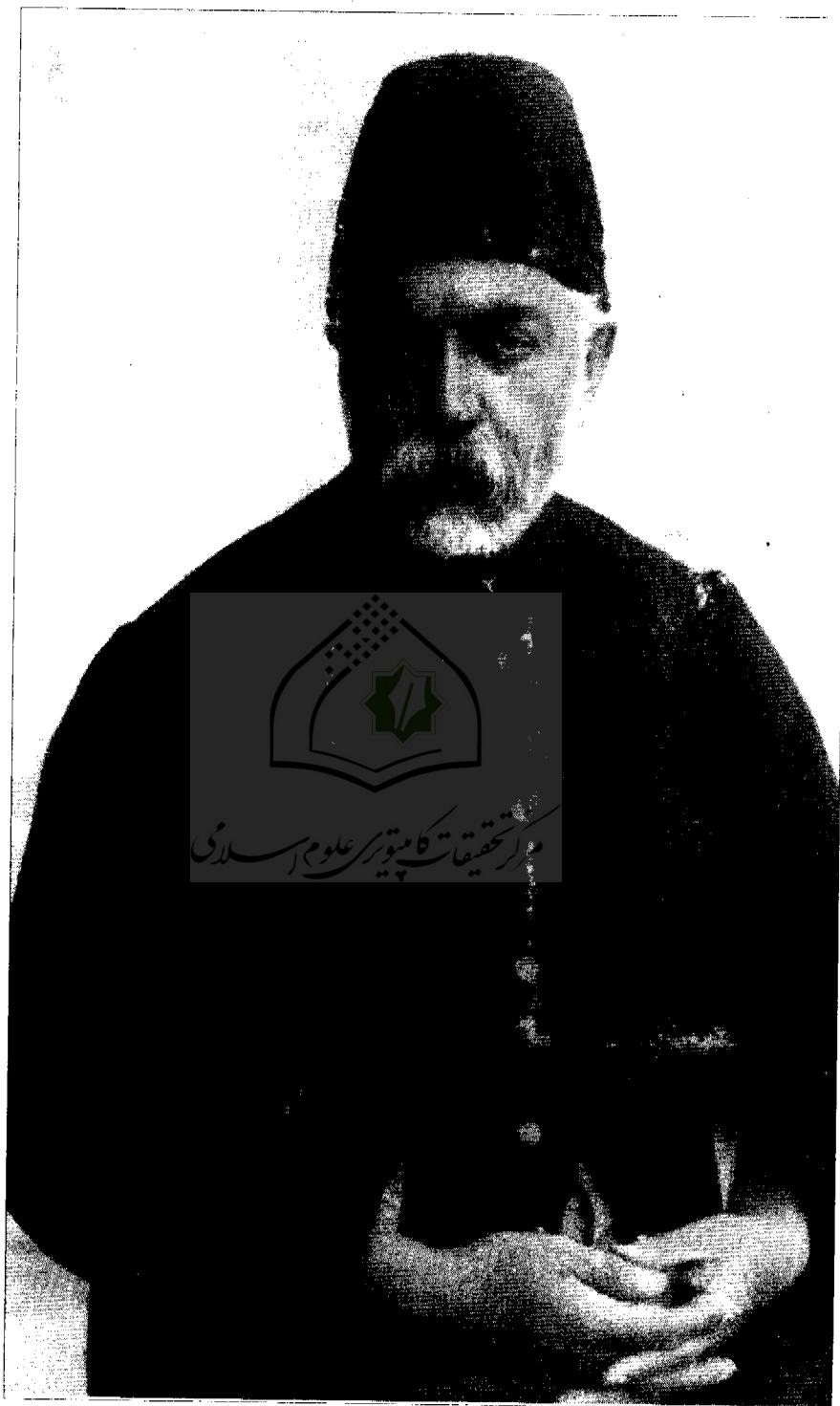
*مرآة الارض* که نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، اثری است ناشناخته. شهرت مجدالملک در مقام یک نویسنده توانا، عمدتاً ناشی از کتاب دوم اوست که با عنوان *كشف الغرائب* (یا با عنوان معروف‌تر رساله مجديه) شناخته می‌شود.<sup>(۲)</sup> این کتاب ۶۰ صفحه‌ای توسط خود مولف به خط خوش نستعلیق نگاشته شده، و نخستین‌بار در میان تعداد معدودی از دوستان و همراهان قابل اعتماد وی پخش شد. البته، بعدها کتاب بارها استنساخ شد و به شکل گسترده‌ای در میان جامعه منورالفکر آن زمان دست به دست گشت. بسیاری از مورخان و منتقدین ادبی، رساله مجديه را یکی از مهمترین متون فارسی قرن نوزدهم م. / قرن دوازدهم هـ ق ایران دانسته‌اند. به نظر این‌گونه افراد، اهمیت این کتاب نه تنها در لحن انتقادی جدی آن در قبال دولت ناصرالدین شاه، بلکه همچنین از نظر سبک نثر فارسی قوی آن نیز می‌باشد، چرا که آن را یک نقطه عطف زبانی-ادبی تلقی می‌کنند.

مجدالملک با دختر پاشاخان امین‌الملک (مهردار سلطنتی، حاکم تهران و بعدها وزیر عدلیه) ازدواج کرد. نتیجه وصلت این زن و شوهر، دو پسر (علی و محمد تقی) و چهار دختر بود که دو تن از این دخترها بعدها مادر سه تن از نخست‌وزیران معروف ایران معاصر شدند: طابووس خانوم، مادر وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه، و عظمت‌الدوله، مادر حسین علاء. میرزا علی‌خان زیر دست چنین پدر و مادری بزرگ شد، و زندگی اجتماعی-سیاسی خود را در چنین محیطی آغاز نمود. وی فارسی و مقدمات عربی را در تهران فرا گرفت. در سال ۱۸۵۳ م. / ۱۲۶۹ هـ ق پس از انتصاب مجدالملک به سرپرستی دفتر منطقه‌ای وزارت امور خارجه در آذربایجان، علی او را همراهی کرد و در زمان اقامت خود در تبریز زبان ترکی را آموخت و زیر نظر معلمی ارمنی به نام آساطورخان زبان فرانسه را نیز فرا گرفت. در مورد خوشنویسی و نثر فارسی هم طبعاً معلمی بهتر از پدرش پیدا نمی‌شد.

در سال ۱۸۵۸ م. / ۱۲۷۵ هـ ق، در حالی که علی بیش از پانزده سال نداشت، با سمت دبیر به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. در همان سال، پدرش را که به ترتیب مأموریت

(۱) میرزا محمد خان لواسانی، *مرآة الارض*، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، نسخه خطی شماره ۵۴۲۴.

(۲) این کتاب بزودی، با مقدمه‌ای از ایرج امینی و ناصر مهاجر، توسط نشر ماهی در تهران منتشر خواهد شد.



• میرزا علی خان امین الدوله

پی گیری مراحل پایانی عقد پیمان مودت با عثمانی ها و وظیفه نظارت بر امور ایرانیان مقیم عراق را داشت، به استانبول و بغداد همراهی کرد. علی در هنگام اقامت در خاک عثمانی، اقدام به تکمیل اطلاعات خود درباره دو زبان عربی و ترکی نمود. چندی پس از بازگشت به تهران، (۱۸۶۲م/ ۱۲۷۹هـ.ق) به مرتبه دبیراقل (بالاترین منصب آن زمان در وزارت امور خارجه) ارتقاء یافت.<sup>(۱)</sup> در سال ۱۸۶۶م/ ۱۲۸۳هـ.ق، به لطف نفوذ عمویش پاشاخان امین الملک در دربار، علی خان به ناصرالدین شاه معرفی شد و شاه نیز که تحت تاثیر خط خوش و نگارش و نثر این جوان قرار گرفته بود وی را با عنوان منشی حضور به کار گمارد.

از آن زمان به بعد میرزا علی خان از پله های ترقی در دربار ناصرالدین شاه پی در پی بالا رفت. او در سال ۱۸۶۹م. / ۱۲۸۹هـ.ق، در زمره همراهان سفر شاه به عتبات عالیات درآمد و می دانیم که در آن زمان عتبات جزئی از امپراتوری عثمانی محسوب می شدند. پس از آن، وی با حفظ منشی گری خاص شاه، مسئولیت چاپارخانه های دولتی (پست خانه ها) را در سال ۱۸۷۱م. / ۱۲۸۸هـ.ق و نیز وزارت رسایل خاصه را در سال ۱۸۷۳م. / ۱۲۹۰هـ.ق بر عهده گرفت. در همان سال، پس از مرگ پاشاخان امین الملک، دایی و پدر همسرش، لقب امین الملک آن مرحوم به وی اعطاء گردید.

در سال ۱۸۷۳م. / ۱۲۹۰هـ.ق در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا جزء همراهان وی بود. در سال ۱۸۷۶م. / ۱۲۹۳هـ.ق، با احیای مجلس مشورتی موسوم به دارالشورای کبری توسط ناصرالدین شاه (که به پیشنهاد میرزا حسین خان سپهسالار بر پا شده بود) میرزا علی خان که اکنون امین الملک نامیده می شد از طرف شاه به عنوان مدیر دارالشورا و رابط میان شاه و اعضای شورا انتخاب گردید.<sup>(۲)</sup> در سال ۱۸۷۷م. / ۱۲۹۴هـ.ق، تصدی امور ضرابخانه دولتی بر سایر مشاغل او افزوده شد و از سال ۱۸۷۶ تا ۱۸۹۵م. / ۱۳۱۳-۱۲۹۳هـ.ق در مقام وزیر پست خدمت نمود.<sup>(۳)</sup>

در ژانویه ۱۸۷۸م. / ۱۲۹۵هـ.ق، امین الملک ماموریت یافت راهی رُم شود تا مراتب تسلیت شاه را به جهت فوت ویکتور امانوئل اول، پدر اومبرتوی اول (پادشاه ایتالیا)، به وی ابلاغ و آغاز سلطنت وی را به او تبریک گوید. امین الملک در جریان سفر به ایتالیا به حضور پاپ آلفونس سیزدهم نیز رسید. در سال ۱۸۸۱م. / ۱۲۹۸هـ.ق، با مرگ مجدالملک، وی جایگزین پدر خود در مقام وزارت و ظایف و اوقاف شد. در سال ۱۸۸۲م. / ۱۲۹۹هـ.ق، مفتخر به دریافت لقب امین الدوله گردید. در سال ۱۸۸۹م. / ۱۳۰۶هـ.ق، در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا همراه شاه شد. در سال ۱۸۹۱م. / ۱۳۰۹هـ.ق، وزارت وظایف و اوقاف را به برادر کوچکتر خود محمد تقی خان واگذار نمود.

اینک پس از مرور مناصب دولتی متعدد امین الدوله، بی مناسبت نیست به این نکته

(۱) بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران: ۱۳۴۷، جلد دوم، ص ۲۵۴.

2) Bakhsh, Shaul, Iran: Monarchy, Bureaucracy & Reform under the Qajars; 1858-1898, London, Ithaca Press, 1978, pp. 152-153.

3) Fo60/592, Persia. Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants and the Clergy, December 1897, p, 38

بپردازیم که وی چگونه دولتمردی بوده است. آیا وی صرفاً یک دیوانسالار درباری بود، یا اندیشمندی که با آگاهی از تنگناهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، برای نجات کشور رسالتی برای خود قائل بود؟ امروزه تقریباً بین تمامی صاحب نظران ایران، این اتفاق نظر وجود دارد که امین‌الدوله یکی از برجسته‌ترین نواندیشان و اصلاح طلبان عصر قاجار بوده است. آشنایی وی با زبان فرانسه، مسافرت‌های متعدد وی به عثمانی، روسیه و اروپا و تماس‌هایش با روشنفکران ایرانی مقیم خارج از کشور (مانند طالبوف، آخوندزاده، ملکم و دیگران) به اطلاعات وی در مورد پیشرفت‌های ملل اطراف ایران غنا بخشید. او با بهره‌گیری از تمایل گهگاهی ناصرالدین‌شاه به اجرای اصلاحات، اقدام به برپایی تشکیلاتی برای ثبت اسناد و املاک نمود؛ کوشید استفاده از تمبرهای دولتی را گسترش دهد، ضرب سکه را عملی سازد، نظام پستی کشور را بر مبنای روش اروپایی نوسازی کند و ایران را به عضویت اتحادیه جهانی پست درآورد. در سال ۱۸۸۸م. / ۱۳۰۵هـ.ق، شاه را ترغیب کرد تا مجموعه‌ای از قوانین و مقررات را به مرحله اجرا درآورد. وی همچنین وارد برنامه صنعتی‌سازی کشور شد و یک کارخانه قند و شکر در کهریزک و یک کارخانه کبریت‌سازی در الهیه راه‌اندازی کرد.

لرد کرزن دربارهٔ شخصیت‌هایی که هنگام سفرش به ایران ملاقات کرده بود، می‌گوید:  
...شریف‌ترین و شایسته‌ترین از میان ایشان میرزا علی‌خان امین‌الدوله است. مردی میان‌سال، با منش خاص درباریان، دارای تمایلات آزادی‌خواهانه و فرهیختگی بسیار. وی که تالی رقیب جوان‌تر خود [منظور امین‌السلطان صدراعظم] است، گویا با او رابطه خوبی ندارد؛ با این حال علاوه بر ریاست شوری، وزارت پست و وظایف و اوقاف را عهده‌دار است. هنگام سفر قبلی شاه به انگلستان در میان همراهان بود. اما در سفر ۱۸۸۹ در آلمان از هیئت همراهان جدا شد. می‌گویند دلیل آن تیرگی روابطش با امین‌السلطان بود. اگر به دلیل مقداری کمبود ابتکار عمل و ناتوانی (که خود ناشی از دوراندیشی منبعث از شناخت لجاجت و یکدندگی نظام در قبال اصلاح طلبان احتمالی است) نمی‌بود، در آن صورت چه بسا امین‌الدوله بهترین شخصیت کشور ایران بشمار می‌رفت. من در خانه‌ای به دیدار او رفتم که خانه‌ای بود زیبا، با نوعی آذین‌بندی به سبک و سیاق اروپایی. فرانسه را تا حد زیادی خوب تکلم می‌کرد و به نظرم جالب‌ترین شخصیتی آمد که در ایران دیده بودم. از لحن کلام او در مورد مسائل کشورش پیدا بود که حقیقتاً شیفتهٔ اصلاحات است؛ ولی شور و شوقش از میان رفته و تمام آمیدی را که به تجدید حیات ایران در زمان خود داشت، از دست داده است.<sup>(۱)</sup>  
حال می‌توان اظهارات مورخ دربار قاجار، یعنی محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در مورد وی را نیز مورد دقت نظر قرار داد:

... اگر در این مرد دو صفت نبود حالا به استحقاق صدارت می‌نمود. یکی آن که

1) Curzon, George N0, *Persia and the Persian Question*, Longman & Co, London 1892.

می خواهد حق وزارت را به جای آرد، یعنی تصدیق بلا تصور نکند و تملق بی معنی نگوید... هر نقص و خلافتی در کار دولت ببیند فی الفور اظهار نماید و معایب کار را آشکار سازد. دیگر اصالت ذاتی و نجابت فطری اوست که مانع پیشرفت وی می باشد... بی ادب نیست، اهل شرم و حیاست... از عجله گریزان است. ملاحظه اطراف کار را لازم می داند. فرسنگ ها از طمع دور است؛ می خواهد اما نه با فضاحت؛ می رود اما نه راه شناخت. این است که در این مملکت به حقوق خود نایل نمی گردد و از آن چه باید داشته باشد باز می ماند...<sup>(۱)</sup>

شاید اگر به واسطه کینه ورزی میرزا علی اصغر خان امین السلطان نسبت به او نبود، امین الدوله به بالاترین منصب دولتی می رسید. امین السلطان که از اوایل دهه ۱۸۸۰ محبوب ناصرالدین شاه و بعدها نیز نخست وزیر وی گردید، امین الدوله را بالقوه رقیب خود می دانست. در ماه روشن ۱۸۹۰ م. / ذی القعدة ۱۳۰۷ هـ. ق. امین السلطان حتی کوشید تا امین الدوله را به بهانه تصدی والی گری خراسان از تهران دور کند؛ پستی که امین الدوله مایل به پذیرش آن نبود.<sup>(۲)</sup> اما اگر بپذیریم که حرف های امین الدوله صحت دارند، در آن صورت باید پذیرفت که شاه چندین بار تصدی منصب رئیس الوزرائی را به وی پیشنهاد کرده بوده است؛ آنجا که سال ها بعد برای عروس خود خانم فخرالدوله نقل می کند:

من موقعی که منشی مخصوص ناصرالدین شاه بودم، چندین بار پیشنهاد صدارت به من شد، و با اینکه ناصرالدین شاه را مردی با هوش، مصمم و قوی الاراده می دانستم چون به روحیه استبدادی او واقف بودم از قبول مسئولیت سرباز زدم و زیر بار نرفتم.<sup>(۳)</sup>

با مرگ ناصرالدین شاه در آوریل ۱۸۹۶ م. / شوال ۱۳۱۳ هـ. ق. و برآمدن پسرش مظفرالدین شاه بر تخت سلطنت و با انتقال دربار از تبریز به تهران، امین الدوله با رقابت ها و چشم و هم چشمی های گروه های مختلف درباری روبرو شد که هر کدام چشم در پی قدرت داشتند. رهبری این گروه رقیب و قدرت طلب، عمدتاً و به ترتیب در دست امین السلطان (صدر اعظم) و عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود و می دانیم که فرمانفرما داماد شاه و باجناق سلطان مجید میرزا عین الدوله بود. امین السلطان در تلاش برای خلاص کردن خود از خطر یک جانشین بالقوه به شاه پیشنهاد می کند تا امین الدوله را به عنوان والی آذربایجان و وزیر ولیعهد محمدعلی میرزا، منصوب کند و باید بخاطر داشت که این منصب اسم و رسم دار توسط خود شاه شخصاً به وی اعطاء شد.<sup>(۴)</sup>

امین الدوله، با ورود به آذربایجان، کوشید اصلاحاتی را به عمل آورد که مهمترین این اصلاحات تغییر رویه حاکم بر تحصیلات ابتدایی بود. اندکی پیش از ورود امین الدوله به آذربایجان، میرزا حسن رشیدی (پدر آموزش و پرورش نوین ایران) تلاش کرده بود تا

(۱) اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، خلسه یا خواننامه، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۷، صفحات ۱۴۸-۱۴۷

(۲) روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران ۸۰، ص ۷۰۰

(۳) امینی، ایرج، بر بال بحران (زندگی سیاسی علی امینی)، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۸.

(۴) خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران ۱۳۴، صص ۲۲۵ - ۲۲۴



• مظفرالدین شاه قاجار در اوایل سلطنت همراه با امین السلطان

مدرسه‌ای به سبک مدارس ترکیه در تبریز راه‌اندازی کند، ولی به واسطه اقدامات عناصر واپسگرایی افراطی به ناچار ترک دیار کرده و راهی باکو شده بود. امین‌الدوله وی را دوباره به تبریز دعوت کرده و او را به ادامه طرح آموزشی خویش تشویق می‌کند. این اقدام امین‌الدوله و چندین ابتکار اصلاحی-اداری دیگر، گسترش شکاف بین وی و نیروهای واپسگرا (از جمله شخص محمد علی میرزا) را در پی داشت.

از سوی دیگر، در تهران صدراعظم امین‌السلطان با نادیده گرفتن سوابق طولانی درباریان

تبریز در خدمت به ولیعهد سابق و شاه کنونی، آنها را حاشیه نشین کرده بود. در عین حال، مشکلات مالی ناشی از امتناع والیان ولایات از پرداخت درآمدهای سالانه به تهران، اوضاع را نابسامانتر کرده بود؛ همچنین، بی‌اعتمادی شاه نسبت به صدراعظم امین‌السلطان روز به روز بیشتر می‌شد. طبیعی است در این شرایط کشور دچار تنگنا می‌شود و زمانی که صدراعظم با تعیین ضرب‌الاجل از شاه می‌خواهد تا بی‌قید و شرط از وی حمایت کند، ظاهراً شاه به‌ناچار وی را از کار برکنار می‌کند. صدراعظم حکم برکناری خود را رسماً در تاریخ ۲۳ نوامبر را ۱۸۹۶ م. / ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ هـ.ق. دریافت کرد.<sup>(۱)</sup>

با سقوط دولت امین‌السلطان، شاه شورای وزیران (متشکل از رجال برجسته) را متکفل امور می‌کند و عبدالحسین میرزا فرمانفرما به عنوان وزیر جنگ تعیین می‌شود. اما فرمانفرما در عمل با استفاده از روابط خاص خود با شاه، مرتباً در امور سایر وزراء دخالت می‌کند. اختلاف نظر در هیأت دولت به اضافه قرضی که به سه میلیون تومان تخمین زده شده و اصرار شاه برای تأمین مخارج سفرش به اروپا، اقدامات سریع و قاطعی را ایجاب می‌کرد. شاه که تا حدودی حامی اجرای اصلاحات بود امین‌الدوله را از تبریز احضار می‌کند و نخست منصب وزارت داخله و اندکی بعد ریاست شورای وزرا را برعهده وی می‌گذارد.

حال نظر کاردار وقت سفارت فرانسه در مورد انتصاب امین‌الدوله را از نظر بگذرانیم: ... آیا امین‌الدوله مرد این میدان است؟ آیا او می‌تواند از نظر شهرت در صلاحیت کاری به پای همتای پیشین خود امین‌السلطان برسد؛ مردی که اکنون در غضب است؟ من نگرانم از این که روند رویدادها پاسخ مثبتی برای این گونه پرسش‌ها فراهم نکند. دلیل آن هم این است که هر چند بین محافل اروپایی میرزا علی‌خان به‌عنوان فرهیخته‌ترین شخصیت کشور ایران مطرح است، اما در عین حال، وی فاقد اراده و توانایی‌ای است که برای انجام مسئولیت‌های عالی در کشوری مانند ایران ضرورت تمام دارد؛ چرا که در ایران، حرف اصلی را زور می‌زند! علاوه بر این، تردیدی نیست که وی در آینده با شاهزاده فرمانفرما درگیر خواهد شد.<sup>(۲)</sup> اتفاقاً عملی شدن پیش‌بینی آقای کاردار چندان طول نکشید. درگیری اصلی امین‌الدوله با فرمانفرما در این بود که فرمانفرما نایبستی در امور سایر وزراء دخالت نماید؛ در مورد هرگونه جابجایی کارکنان وزارتخانه هم باید با شخص وی مشورت کند. در مورد جابجایی قشون هم بدون اجازه حق هیچ اقدامی ندارد. البته فرمانفرما با این گونه محدودیت‌ها مخالف بود.<sup>(۳)</sup> سرانجام با برکناری فرمانفرما از وزارت جنگ مسئله فیصله یافت.

علل سقوط فرمانفرما به خوبی توسط پرفسور حافظ فرمانفرمایان خلاصه شده است: ... در عین حال که دسیسه‌های امین‌الدوله و سایر درباریان در سقوط فرمانفرما موثر بود،

(۱) همان منبع، همان جا.

(۲) Affaires Etrangères, Nouvelle Serie Perse, Vol. 1-2, no: 34; 20 April; 1897.

(۳) خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، حمید رام‌پیشه، جلد اول، ص ۲۴۰.

اما با این همه دلایل دیگری نیز در این امور دخالت داشت، از جمله غرور و بلندپروازی شخص وی، کینه‌توزی ژنرال کوزاکوفسکی روس و دشمنی آشکار هیأت نمایندگی روسیه در ایران نسبت به او؛ ترس فزاینده شاه نسبت به وزیر جنگ هم در در سقوط فرمانفرما نقش داشت. فرمانفرما نه تنها تهران را از نظر نظامی در قبضه قدرت خود داشت و در پی کسب صدراعظمی بود بلکه حتی ظاهراً برای شخص شاه هم تهدید محسوب می‌شد. سلامت مظفرالدین‌شاه به نحوی رو به وخامت گذاشته بود که هیچ‌کس، حتی طبیب مخصوص او، حکیم‌الملک، هم امیدی به طول عمر وی نداشت. شایع شده بود که در صورت مرگ ناگهانی شاه، فرمانفرما، جهت تضمین کردن نیابت سلطنت خود، اصرار داشته است که شاهزاده ناصرالدین میرزا (پسر خواهر فرمانفرما و شاه) به عنوان وارث تاج و تخت تعیین شود...<sup>(۱)</sup>

فرمانفرما در تاریخ هفتم سپتامبر ۱۸۹۷م. / ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵هـ.ق. استعفا داد.<sup>(۲)</sup>

امین‌الدوله که اینک اعتماد شاه را به خود جلب کرده بود، اندک اندک به فکر تحقق اهداف خود افتاد. هدف اول وی، اولویت اصلاحات در نظام مالی کشور و موازنه دخل و خرج خزانه بود. برای عملی ساختن این امر خطیر، وی یکی از دانش‌آموختگان دانشگاه آکسفورد (یعنی ابوالقاسم‌خان ناصرالملک) را به عنوان وزیر مالیه معرفی کرد. ولی تلاش‌های امین‌الدوله و وزرای وی برای انجام اصلاحات مالی و پولی و متمرکز ساختن این امور در دست هیأت دولت، مورد مخالفت گروه‌های پرنفوذ درباری، مقامات عالیه دولتی و نیز روحانیون قرار گرفت. تجدید ساختار مالیه همچنین به معنای کاهش مخارج دربار بود که کل خاندان سلطنتی و از جمله شخص شاه را تحت تأثیر قرار می‌داد.<sup>(۳)</sup> امین‌الدوله در راستای افزایش درآمد دولت، شروع به تمرکز امور گمرکی در دست دولت مرکزی کرد. تا آن زمان، گمرکات کشور ایالت به ایالت اجاره داده می‌شدند؛ در نتیجه مستأجرها برای کاهش هرچه بیشتر حقوق گمرکی ۵ درصد که نرخ پائینی محسوب می‌شد، با هم رقابت می‌کردند تا مبادلات تجاری را تشویق کنند و مبالغی بیش از رقمی که باید بابت مال‌الاجاره به دولت بپردازند برای خود وصول کنند.<sup>(۴)</sup>

امین‌الدوله هرچند در سیاست خارجی بیشتر متمایل به بریتانیا بود، اما در عین حال هر جا امکانش بود سعی می‌کرد از دو همسایه ایران به یک اندازه فاصله بگیرد. به همین دلیل امور گمرکات را به سه تبعه بلژیک واگذار کرد؛ اقدامی که به سرعت باعث افزایش درآمدهای گمرکی کشور شد.

اقدامات امین‌الدوله در زمینه مسائل آموزشی نیز شایسته توجه بود. هرچند تأسیس دارالفنون

1) Farmayan, Hafez, *Portrait of a Nineteenth – Century Iranian Statesman: The Life And Times of Grand Vizier Amin ud – Dawleh, 1844-1904*, International Journal of Middle East Studies. 1983) 15), pp. 337 -351

2) FO 539/77, no. 45, *Hardinge To Salisbury*, September 12, 1897.

3) *The Cambridge History of Iran*, Volume 7 (From Nadir Shah to The Islamic Republic, Cambridge University Press, 1991, p. 199.

4) Ibid, p. 200

توسط امیرکبیر باعث برخورداری ایرانیان از مزایای تحصیلات عالی گردید، اما تحصیلات ابتدایی همچنان در قبضه روحانیون بود. امین الدوله میرزا حسن رشیده را به تهران دعوت کرد و به او اجازه داد مدرسه‌ای همانند دبستانی که در تبریز راه‌اندازی کرده بود افتتاح نماید. علاوه بر این، وی جزء مؤسسان «انجمن معارف» بود؛ انجمنی که مسئول دخل و خرج مدرسه رشديه و چندین مؤسسه آموزشی مشابه بود که بین سالهای ۱۸۹۹-۱۸۹۷ م. / ۱۳۱۷-۱۳۱۵ هـ ق فعالیت می‌کردند.

در تاریخ ۸ دسامبر ۱۸۹۷ م. / ۱۴ رجب ۱۳۱۵ هـ ق، شاه با توجه به رضایت خاطر از خدمات دولتی امین الدوله، با امید به اینکه وی قادر به افزایش درآمدهای دولت و تأمین سفر او به اروپا خواهد بود عنوان صدراعظمی را به وی اعطاء نمود و برای نظارت بر تمام امور لشکری و کشوری به وی اختیارات تام داد. شاه همچنین اعلام کرد چنانچه کسی با صدراعظم مخالفت کند با خشم شاه روبرو خواهد شد.<sup>(۱)</sup> ازدواج محسن خان، پسر امین الدوله، با اشرف‌الملوک فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه (در تاریخ دوشنبه ۱۰ ژانویه ۱۸۹۸ م. / ۱۸ شعبان ۱۳۱۵ هـ ق) باعث تقویت هرچه بیشتر جایگاه صدراعظم گردید. داماد جدید شاه پیش از این ازدواج، شوهر دختر مشیرالدوله بود و مشیرالدوله از دوستان نزدیک صدراعظم و وزیر امور خارجه وی بود. به هر حال محسن خان برای اجازه ازدواج با دختر شاه ملزم شد تا همسر اول خود را طلاق دهد. اما با این همه امین الدوله اگر می‌خواست دولتش ادامه حیات دهد می‌بایستی با سرعت هرچه تمامتر وضعیت اقتصادی را دوباره سر و سامان می‌داد. تا اواخر اکتبر ۸۹۷ م. / جمادی‌الاولی ۱۳۱۵ هـ ق، خزانه به دلیل برداشتهای پیاپی از آن به تدریج تهی شده بود و می‌توان گفت دولت به حد ورشکستگی کامل رسیده بود.<sup>(۲)</sup> دولت ایران علی‌رغم مخالفت احتمالی بریتانیا و روسیه، برای انتشار اوراق قرضه‌ای به مبلغ چهل میلیون فرانک با بهره‌ی ۵ درصد، با شرکتی به مالکیت اوپنهایم از پاریس و دیگرانی از کلن و لاهه وارد گفتگوهای محرمانه شد. در مقابل تضمین کرد درآمدهای گمرکی بنادر جنوبی و کرمانشاه را به وثیقه بگذارد.<sup>(۳)</sup>

به محض این‌که دولتهای انگلیس و روسیه از این مذاکرات بو بردند، با ادامه آنها مخالفت کردند. دولت بریتانیا با اعمال کنترل یک دولت خارجی بر بنادر جنوب ایران مخالف بود؛ دولت روسیه نیز بهانه آورد که هرگونه تأمین وام می‌بایستی در روسیه انجام گیرد. در نتیجه از آنجا که شاه و امین الدوله تمایلی به انجام معامله با روسیه نداشتند، وضع به گونه‌ای درآمد که صدر اعظم برای اخذ یک وام چهارصد هزار پوندی به بریتانیا متوسل شد؛ وامی که بعداً به دویست هزار پوند کاهش یافت، مشروط بر اینکه قبل از حصول نتیجه مذاکرات، یک پیش‌پرداخت فوری به مبلغ پنجاه هزار پوند در اختیار دولت ایران گذاشته شود. این پیش‌پرداخت سرانجام در ماه مارس ۱۸۹۸ م. / شوال ۱۳۱۵ هـ ق عملی شد و دولت ایران درآمد گمرکات کرمانشاه و بوشهر را به عنوان وثیقه وام تعهد کرد. اما تفاهمی در میان بود مبنی بر

1) FO 539/78, no. 4, *Harding to Salisbury*, December 9/1897.

2) FO 539/77, no. 57, *Harding to Salisbury*, October 24/1897.

3) FO 539/78, no. 56, *Harding to Salisbury*, October 23/1897.



• میرزا حسن رشدیه (پدر آموزش و پرورش نوین ایران)

این که بعد از بازپرداخت وام، به خدمات مأمورین وصول درآمدهای گمرکات مزبور خاتمه داده شود، چرا که در آن صورت کاری برای انجام دادن نخواهند داشت.<sup>(۱)</sup> این وام آنقدر ناچیز بود که فقط برای پرداخت مطالبات معوقه قشون و کارکنان دولت کفایت می کرد. ناکامی امین الدوله در تأمین وامی که در ابتدا از انگلیسی ها تقاضا کرده بود، بهانه به دست رقبای دشمنان وی داد تا او را صدراعظمی ناکارآمد، ناتوان از برخورد با مشکلات پیش روی

1) Ibid, Enclosure 2 In no. 71, Sadr Azam to Hardinge, March 20 / 1898



• ایرج امینی در مراسم رونمایی از کتاب «بر بال بحران» در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

۴۷۶

کشور و فاقد اراده لازم برای تحقق امیال و آرزوهای دربار جلوه دهند. اندکی بعد شاه ساده لوح و زود باور، از صدراعظم خود فاصله گرفت و با مخالفانش همنوا شد. امین الدوله نیز با سرخوردگی از توطئه های مخالفان خویش و موضع شخص شاه در تاریخ ۵ ژوئن ۱۸۹۸ م. / ۱۶ محرم ۱۳۱۶ هـ ق استعفای خود را تقدیم شاه نمود. چند ماه پس از آن تاریخ، امین الدوله تهران را برای همیشه ترک کرد؛ ابتدا راهی حج شد؛ سپس در اراضی خود در لشت نشاء گیلان مستقر گردید. در لشت نشاء، سرگرمی امین الدوله باغبانی و نگارش خاطرات خود و روزنگاشت سفر حج بود؛ دو کتابی که گواه بر چیرگی وی بر نویسندگی است.<sup>(۱)</sup> گمان نمی رود هیچ چیز بجز اظهارت زیر که امین الدوله اندکی پیش از مرگ، در ماه مه ۱۹۰۴ م. / صفر ۱۳۲۲، با عروس خود درد دل کرده بود بتواند سرخوردگی وی را توصیف کند: وقتی پدر شما [منظور مظفرالدین شاه است] پادشاه شد، چون می دانستم که او مردی رؤوف، آزادی خواه و خوش قلب است قبول مسئولیت کردم. ولی متأسفانه ایشان در اثر کسالت مزاج و ضعف اراده طوری است که به حرف اطرافیان که جز به منافع شخصی نظری ندارند و منافع عمومی را فدای هوی و هوس شخصی می کنند گوش فرا می دهند، و همین ضعف، کار کردن با ایشان را مشکل و بلکه محال نموده است.<sup>(۲)</sup>

(۱) سفرنامه حج امین الدوله، همان منبع قبلی، نیز، خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله، همان منبع قبلی.

(۲) امینی، ایرج، همان منبع قبلی، ص ۲۲.